

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېاد بدین بوم و بر زنده یک تن مېاد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

فرستنده: عثمان حیدری

۲۹ مارچ ۲۰۲۱

فارین پالیسی: نه ترمپ درک درستی از چین داشت، نه بایدن

به گزارش الف «زاکری کارابل»، نویسنده و ستون نویس امریکائی مستقر در نیویورک در مقاله ای در فارین پالیسی نوشت شاید سیاست تقابل گرایانه در داخل امریکا مناسب باشد، اما امنیت و کامیابی واشنگتن را تأمین نخواهد کرد. «در میان انبوه گام های اشتباه دولت ترمپ در عرصه سیاست خارجی، مواضع تقابل گرایانه وی با چین، شاید ناشیانه ترین آنها بوده است. مذاکرات گسترده درباره تجارت و اموال فکری، با افزایش چشمگیر تعرفه بر کالاهای چینی همراه شد که شرکت های امریکائی هزینه اش را پرداختند. این شرایط، اقدامات مقابله جویانه چین را به همراه داشت که پرداخت ده ها میلیارد دلار کمک به کشاورزان امریکائی را ضروری می ساخت. کشاورزانی که چین خرید محصولاتشان را متوقف کرده بود و آنها به نابودی کشیده شدند. مذاکرات فشرده وزیر خارجه دولت ترمپ درباره وضعیت حقوق بشر در چین شکست خورد زیرا ترمپ نتوانست حمایت های بین المللی را از مواضع خود کسب کند. حتی پس از خروج امریکا از پیمان تجاری اقیانوس آرام موسوم به ترانس-پاسیفیک، تهدیدات ترمپ را بی ثمرتر کرد. حتی اگر یک نفر بپذیرد که امریکا باید در برخی زمینه ها مقابل چین می ایستاد، رویکرد ترمپ فقط سبب افزایش خصومت و کاهش سرمایه گذاری چین و خریدهای آن از امریکا شد. آن رویکرد، عوامل مؤثر در روابط دو کشور را به هیچ وجه تغییر نداد. کسری تجاری در سطح نجومی باقی ماند (که البته لزوماً چیز بدی نبود اما ترمپ آن را دلیل سیاست های خود می خواند)، کارخانجات برای فرار مالیاتی در خارج از کشور مستقر شدند، موارد نقض حقوق بشر در چین پایان نیافت و نفوذ بیجینگ در جهان گسترش یافت.

اکنون به نظر می رسد رئیس جمهور جو بایدن هم بخش زیادی از سیاست های ترمپ را دنبال می کند. و ظاهراً حتی بسیاری از فرضیات ترمپ را درست می داند به خصوص این که ترمپ معتقد بود «چین مهم ترین دشمن امریکا است، و یا این که با وجود زمینه های زیادی از منافع و همکاری های مشترک بین دو کشور، رقابت آنها در قالب مشارکتی بسیار پر از تشنج ادامه دارد.

آن دیدگاه ها در دوران ترمپ اشتباه بود. در دولت بایدن نیز اشتباه است.

جلسه پرتشنج اخیر میان مقامات ارشد امریکائی و چینی در «آنکارا» در ایالت آلاسکا خبری بسیار جالب برای همه بود. سرخط های خبری مختلف نیز شامل این موارد بود: «مذاکرات سخت امریکا-چین، نشانه آغازی دشوار در روابط

دوجانبه در دولت بایدن»، «جلسه پرتشنگ بر پیچیدگی روابط امریکا-چین می افزاید». و تبادل اتهامات میان وزرای خارجه دو کشور نیز کاملاً به چشم می آید...

در مدت مذاکرات، دولت تازه شکل گرفته بایدن بر سیاست های خصمانه دولت ترمپ در قبال چین صحنه گذاشت و بیجینگ را دشمن اصلی امریکا خواند. خصومت کاملاً آشکار بود و به دور بعدی معاملات تجاری و رفع تعرفه های جاری بر واردات چین از جانب دولت امریکا، اشاره چندانیه نشد. در حقیقت، این جلسه اول و آخرش اعلام تحریم های بیشتر امریکا علیه مقامات چینی بود.

البته اگر منصفانه نگاه کنیم، عده زیادی از مردم، از موضع تقابل گرایانه در قبال چین حمایت می کنند. بسیاری معتقدند چین یک دشمن در حال ظهور است که مواضع درازمدت امریکا را تهدید کرده و به صورت بالقوه مقابل نظم جهانی خواهد ایستاد. نظرسنجی اخیر مؤسسه گالوپ نشان می دهد تقریباً نیمی از شهروندان امریکائی معتقدند چین بزرگ ترین دشمن کشورشان است، که این رقم در مقایسه با پارسال تقریباً دو برابر شده است. بدتر از آن، اکثر مردم معتقدند چین تهدیدی علیه اقتصاد امریکا و همچنین رفاه امریکائی ها در آینده است. بسیاری در چین هم چنین نظری در قبال امریکا دارند.

البته این که افکار عمومی از چین به عنوان یک تهدید یاد می کند، به این معنا نیست که سیاست های دولت نیز باید بر آن مبنا تبیین شود. افکار عمومی متغیر و مبتنی بر مسایل مرتبط با سیاست خارجی است، و بسیار متأثر از آن است که مقامات آن را چگونه تدوین می کنند...

در اوج جنگ سرد، این نگرانی مشروع - و البته اغراق شده- وجود داشت که دنیای کشورهای کمونیست از نظر اقتصادی سد راه امریکا خواهد بود. امروز البته نگرانی مشابه از ظهور یک قدرت با ایدئولوژی بومی خود، که در تناقض با دموکراسی لیبرال غربی است، بسیار بی معنا به نظر می رسد، زیرا: چین یک خودکامه طرفدار نظام سرمایه داری است که برای جهانی کردن شکل خاص کمونیسم خود، هیچ علاقه ای نشان نداده است. بازارهای داخلی آن شرکت های امریکائی و چندملیتی را بشدت ثروتمند کرده است... ظهور چین سبب شکوفائی اقتصادی امریکا و سایر اقتصادهای توسعه یافته تر شده، از جاپان گرفته تا تایلند و آلمان...

ضمناً مشخص نیست که آیا سیاست های چین در جنوب شرق آسیا، «نظم جهانی مبتنی بر قوانین را تهدید می کند» یا این که صرفاً تهدیدی است علیه موقعیت امریکا که می خواهد بر نظم جهانی سلطه یابد...

حتی اگر بپذیریم که چین تهدیدی گسترده است، تاکتیک های دولت ترمپ و اکنون دولت بایدن به گونه ای نبوده است که بیجینگ را به تجدید نظر در رفتار خود وادارد. چین آنقدر قوی است که آن تاکتیک ها که شاید زمانی مؤثر بود، اکنون بی اثر شده است. تحریم چند مقام چینی به خاطر نقض حقوق بشر، رفتار بیجینگ را تغییر نخواهد داد؛ همان طور که اعمال تعرفه ها به بروز آسیب شدید منجر شده و عملاً تهدیدآمیز بوده اند.

انتقاد، همواره با انتقاد مواجه خواهد شد. امریکا هرگز مجبور نبوده است با یک قدرت اقتصادی و نظامی مقابله کند که نتواند بسادگی آن را تهدید کند و یا مستقیماً با آن درگیر شود. وابستگی اقتصادی در دنیای امروز، رویارویی از نوع جنگ سرد را تقریباً به شمشیر دولبه بی فایده تبدیل کرده است.

نتیجه این است که ادامه موضعی خصمانه که در داخل امریکا محبوبیت دارد، سبب شده است دولت بایدن فرصت برنامه ریزی برای یک ستراتیژی واقع گرایانه را به منظور رقابت جهانی در دوران پسا-کرونا از دست بدهد. سخت گیری در مقابل چین شاید در عرصه سیاست داخلی خوب باشد، اما اگر هدف آن تقویت توان اقتصادی امریکا و امنیت

جهانی باشد، ستراتیژی بدی است. دولت ترمپ از دست یابی به تمام اهدافش ناتوان ماند؛ دولت بایدن هر چه زودتر روند جدیدی را در پی گیرد، بهتر خواهد بود.»